

پائیز برگریزان در اپوزیسیون #۴۷؛ چرا اتحاد براندازان فروپاشید؟

پس از اسماعیلیون، این بار نوبت به «نازنین بنیادی» رسیده است تا با کناره‌گیری خود از این دوره‌می، تو خالی بودن طبل اپوزیسیون را نمایان‌تر کند.

به گزارش سایت خبری پرسون، حدود سه هفته پیش بود که «حامد اسماعیلیون»، از «ائتلاف همبستگی» براندازان جمهوری اسلامی خارج شد؛ ائتلافی که دو ماه قبل (۱۹ اسفند ماه) از آن میان چهره‌های برانداز از جمله براندازان پهلوی، علینژاد، بنیادی، عبادی و مهدی شکل گرفته بود.

پس از آنکه پهلوی بارها با تکروری و نادیده گرفتن سایر اعضای ائتلاف عملاً به آنها پشت پا زد و اسماعیلیون نیز در ساختن چهره‌ای سیاسی و روزه‌ای حرفه‌ای برای خود ناکام ماند؛ این بار نوبت به «نازنین بنیادی» رسیده است تا با کناره‌گیری خود از این دوره‌می، تو خالی بودن طبل اپوزیسیون را نمایان‌تر کند.

بنیادی دوشنبه شب (۱۸ اردیبهشت ماه) در حساب کاربری خود در توئیتر کناره‌گیری‌اش از این ائتلاف را رسماً اعلام کرد. گرچه این ائتلاف پیش‌تر از این نیز، خروجی و برآمدی جز حاشیه به دنبال نداشت و علیرغم همه هزینه‌های صورت گرفته، نتیجه‌ای جز برملا شدن وزن و جایگاه چهره‌های خود نگرفت؛ اما باز هم به نظر می‌رسد فروپاشی درونی آنها زودتر از انتظار رقم خورد.

اعضای شورای همبستگی ۸ نفر بودند که پیش از این حامد اسماعیلیون، علی کریمی و گلشیفته فراهانی از این شورا خارج شده بودند. ربع پهلوی هم که قصد داشت برتری خود را نسبت به دیگر اعضای این ائتلاف ثابت کند اعلام کرد که فعالیت‌های سیاسی دیگری خارج از این شورا خواهد داشت، همچنانکه سفرش به سرزمین‌های اشغالی این انشقاق و اختلافات میان اعضا را نمایان ساخت. اما بعد از خروج این چند نفر از شورا مصی علینژاد، نازنین بنیادی، عبدالله مهدی و نازنین بنیادی طی بیانیه‌ای اعلام کرده‌اند در این شورا همچنان حضور دارند که حالا نازنین بنیادین نیز رسماً از عضویت در شورای همبستگی انصراف داد.

البته کسی فراموش نمی‌کند این ائتلاف و حامیانش پس از آنکه صحنه اغتشاش و ناامنی از حضور مردم خالی شد، چگونه با صرف هزینه‌های گزاف در کشورهای دیگر نمایش‌هایی همچون تجمع مقابل شورای بروکسل اروپا به راه انداختند و تلاش کردند از پذیرش یک شکست دیگر در پروژه‌های پرطمطراق خود فرار کنند.

امروز تجزیه و از هم گسیختگی سرنوشت کسانی شده که برای تجزیه ایران دور هم جمع شده بودند. آنها گرچه از ابتدا ادعا می‌کردند مخالف تجزیه کشور هستند، اما در جریان تجمع‌ها و اقدامات خود نشان دادند نه در مقام عمل، بلکه حتی در مقام کلمه و تئوری نیز با تکه‌پاره شدن وطن مخالفتی نخواهند کرد.

پرچم تجزیه‌طلبان جنوب غرب، شمال غرب و جنوب شرق کشور در دست کسانی که در اجتماعات این جریان شرکت می‌کردند، در حالی به اهتزاز درآمدند که شاهد هیچ ممانعتی در برابر خود نبودند. پس از آنکه شمار فراوان پرچم گروه‌های تجزیه طلب و تروریستی در تجمعات آنها، چهره واقعی تجزیه‌طلبانه آنها را آشکار کرد و ماسک آزادی را از صورتشان برداشت، این روزها خروج نوبتی‌شان از ائتلاف مذکور، پرده از توهمی بودن ادعاهای براندازی برداشته است.

صاحب‌نظران و کارشناسان سیاسی، خیلی زود با مشاهده گیس و گیس‌کشی‌های بی‌پایان آنها پی برده بودند که تلاش پرهزینه خارج‌نشینان راه به جایی نخواهد برد. اختلاف و تشتت میان براندازان به قدری زیاد بود که در سیستم بی در و پیکری که به آن می‌بالیدند حتی «پرویز ثابتی» نیز جایگاهی برای خود در نظر گرفته بود. کسی که در سال‌های ۵۲ تا ۵۷ مسئول اداره ساواک تهران بوده و دستش آغشته به خون صدها زندانی سیاسی است که به علت مخوف‌ترین شکنجه‌ها جان باختند.

از طرف دیگر «پهلوی» بعد از آنکه در ماجرای کمپین «من وکالت می‌دهم» ضربه بزرگی به خود و ائتلافش زد و خود را به سوژه مضحکه کاربران فضای مجازی تبدیل کرد، در اقدام پر حاشیه دیگری در شرایط پرتنش سرزمین‌های اشغالی به «تل آویو» سفر کرد تا نشان دهد فارغ از هر ادعا و شعاری، عطش دیده شدن دارد و حاضر است به هر قیمتی خود را در تیتراخ اخبار بگنجانند؛ حتی به قیمت سفر به اسرائیل. سفری که انتشار عکس‌ها و حواشی آن، بار دیگر او را به ثقل محافل پُر طعنه و کنایه مجازی تبدیل کرد.

حالا هم با خروج نازنین بنیادی، تنور این کنایه‌ها داغ شده و شمار زیادی از کاربران فضای مجازی چهره‌های براندازی را دستاویز شوخی‌های سیاسی خود کرده‌اند. «سیده راضیه طاهریان» در توئیتی نوشته است: «نازنین بنیادی هم از شورای همبستگی کنار رفت؛ الان منشور مهسا دقیقاً شبیه گروه‌های خانوادگی توی واتساپ شده!»

کاربر دیگری در حساب کاربری خود در توئیتر این طور می‌گوید: «از برانداز هم شانس نیاوردم ما! با خبر شدیم که نازنین بنیادی هم از شورای همبستگی لفت داد و رفت سراغ همون شورای مربوط به تامی شون!!»

«سعیده منشادی» کاربر توئیتری دیگری نیز نوشته است: «نازنین بنیادی هم از شورای همبستگی کنار کشید؛ flm& بهم خوردن این شورا در حالیست که اعضای آن، تحت این عنوان، پول‌های زیادی دریافت کرده و هرکدام به صورت مجزا چند تور اروپاگردی نیز برگزار کرده بودند و حالا همین مسئله موجب عصبانیت هوادارانشان شده است.»

کاربر دیگری این طور نسبت به فروپاشی این ائتلاف واکنش نشان داده است: «یادتونه اپوزیسیون براندازها منشور همبستگی در راستای براندازی جمهوری اسلامی صادر کردن؟ flm& هیچی دیگه الان اون ائتلاف همبستگی تبدیل به ائتلاف گسستگی شده و نه تنها نازنین بنیادی رو از شورا پرت کردن بیرون، بلکه تمام تجمعاتشون شده علیه اسماعیلیون؛ flm& این است عاقبت دشمنی با ایران مظلوم ما.»

به نظر می‌رسد اپوزیسیون فارغ از آنکه به دلیل پراکندگی‌های فکری و سیاسی از دستیابی به هرگونه توفیق سیاسی باز مانده است، به مرحله‌ای از ناکامی رسیده که حتی توان ادامه یک نمایش شش نفره را ندارد. به نظر می‌رسد کسانی که خود را ناجی ایران و مردم ایران معرفی می‌کردند، بر سر تقسیم منافع یا جایگاه‌های خیالی با یکدیگر به توافق نرسیده و در چاه تجزیه که برای کشور کنده بودند، افتادند.

دلایل فروپاشی همبستگی اپوزیسیون

در همین زمینه قاسم تبریزی کارشناس تاریخ معاصر در خصوص آسیب شناسی جریان‌های اپوزیسیون خارج از کشور، گفت: سوال اساسی مطرح در خصوص ناتوانی اپوزیسیون خارج از کشور این است که آنان چرا با داشتن پشتوانه کشورهای غربی مانند آمریکا رژیم صهیونیستی و برخی کشورهای منطقه دچار اختلاف و تشتت هستند و هیچگاه امکان یک حرکت واحد و متحد را ندارند؟

وی افزود: برای پاسخ به این سوال اساسی باید گفت که اپوزیسیون تشنه قدرت، شهرت و ریاست است و به دنبال خدمت به کشور نیست و اساساً چنین هدفی را ندارند.

تبریزی ادامه داد: نیروهای اپوزیسیون دارای پایگاه و جایگاه در متن جامعه نیست، لذا پاتوق خود را در بیرون از مرزها و ذیل قدرت‌های بیگانه می‌بینند و اراده، ایمان و مقاومت در درون خود ندارند.

اختلاف در مبانی سیاسی

این نویسنده و پژوهشگر تاریخ معاصر ایران اظهار داشت: آنان دارای ایدئولوژی‌های مختلفی هستند لذا به لحاظ مبانی فکری وابسته به لیبرالیسم، مارکسیسم، سوسیالیسم، سوسیال دموکراسی، ناسیونالیسم، اومانیسم و جریان‌اتی از این قبیل هستند. تعارض در درون آنها را به بن‌بست می‌کشاند زیرا هر کدام یکی از این مکاتب بشری را اصل می‌دانند و با یکدیگر تضاد ایدئولوژی دارند. در عین حال که همه آنان در کنار سلطنت طلب‌ها و منافقین که در جای خود، دارای اختلافات اساسی و جدی هستند و عملاً امکان اتحاد میان آنان وجود ندارد.

تبریزی با اشاره به آنکه ریشه‌های اختلاف نیروهای اپوزیسیون تاریخی است و به قبل از انقلاب بر می‌گردد، خاطر نشان ساخت: مشکل دیگر اپوزیسیون عدم درک و شناخت کافی از وضعیت داخلی جامعه ایران است. آنها بر اساس تخیل و تأثیرپذیری از رسانه‌های غرب تصوراتی را برای خود ایجاد می‌کنند که صحیح نیست.

این کارشناس تاریخ معاصر اذعان داشت: اپوزیسیون به شعارهای خود در خصوص دموکراسی و سوسیالیسم و لیبرالیسم بی اعتقاد است. در عین حالی که به اصل مبارزه هم‌ایمانی ندارد و این فعالیت‌ها برای آنان نوعی تفنن و سرگرمی شده است. آنها خود اراده مبارزه ندارند و به دنبال این هستند که با تکیه‌گری سیاسی آمریکا برایشان کاری کند و کودتایی مانند ۲۸ مرداد راه بیندازد و آنها به کشور بازگردند.

اپوزیسیون سرخورده و ناامید است

قاسم تبریزی بیان داشت: نیروهای اپوزیسیون از نیروهای انقلابی و کارآمد به نیروهای سرخورده و ناامید تبدیل شدند، لذا با این روحیه نمی‌توانند مبارزه کنند.

وی گفت: اپوزیسیون بشدت به غرب وابسته شده است و دیگر آن را به صورت آشکار اعلام می‌کنند و هیچ ابایی از طرح آن ندارند.

تبریزی با اشاره بر اینکه اپوزیسیون دارای رهبری کارآمد نیست تصریح کرد: این نیروها صرفاً دل‌بسته به تعدادی هوادار اندک و چند نشست محدود هستند و عملاً کاری از دستشان بر نمی‌آید.

وی با اشاره به توان‌مندی‌های داخلی کشورمان تاکید کرد: نقش برجسته رهبری و ولایت فقیه در جمهوری اسلامی، در عین حال حضور فعال نیروهای انقلابی، اطلاعاتی، نظامی و انتظامی که بر دشمنان اشراف دارند موجب شده است که اپوزیسیون بخوبی رصد شده و توطئه‌ها و عملکرد آنان خنثی شود. در عین حالی که حضور گسترده و اعتقادی مردم در صحنه موجب کارآمدی کشور برای مقابله با اپوزیسیون می‌شود.